گزارش یک

سجاد آذری

کابل‌های هرمز، چاه‌های نفت جدید

«جوان»، در گزارشی ظرفیت خارق العاده کابل‌های اینترنت عبوری از تنگه هرمز را بررسی کرده‌است

تنگه هرمز که قرن‌ها نبض اقتصاد انرژی جهان در آن می‌تپد، اکنون به عرصه‌ای جدید برای رقابت ژئواکونومیک تبدیل شده و آن نبرد بر سر کابل‌های زیردریایی اینترنت است. در حالی که دست‌کم چهار تا هفت سامانه اصلی فیبر نوری از بستر این آبراه می‌گذرند و تراکنش‌های مالی هنگفتی را جابه‌جا می‌کنند، جمهوری اسلامی ایران طرحی سه‌مرحله‌ای برای مدیریت، قانون‌گذاری و کسب درآمد از این زیرساخت‌های حیاتی را به مرحله اجرا نزدیک کرده‌است. این طرح که از ۱۳ میلیارد یورو تا ۱۵ میلیارد دلار درآمد سالانه برای کشور پیش‌بینی می‌کند، با گام‌های عملی در مجلس شورای اسلامی، تشکیل نهادهای جدید و توقف عملی تعمیرات کابل‌ها همراه شده‌است. با این حال، بررسی‌های فنی نشان می‌دهد که تحقق این هدف با موانع حقوقی، فنی و دیپلماتیک فراوانی روبه‌رو است.

کابل‌هایی که از زیر تنگه می‌گذرند

بر اساس آخرین داده‌های نقشه زیردریایی و گزارش‌های تحلیلی، شاه راه ارتباطی تنگه هرمز میزبان چندین کابل اصلی فیبر نوری است که ظرفیت ترافیک اینترنت و داده‌های مالی میان آسیا، خاورمیانه، آفریقا و اروپا را تأمین می‌کنند. مهم‌ترین این سامانه‌ها عبارت از این موارد هستند.

شاید مهم‌ترین کابل AAE-۱ (Asia-Africa-Europe-1) غول ۲۵ هزار کیلومتری است که جنوب شرقی آسیا را از طریق خلیج فارس، عمان و مصر به اروپا متصل می‌کند. این کابل در کشورهای امارات، عمان، قطر و عربستان اصطلاحاً لندینگ دارد و توسط کنسرسیومی متشکل از ۱۹ اپراتور مخابراتی از جمله China Unicom، اتصالات، Telecom Egypt و Reliance Jio اداره می‌شود و سرمایه‌گذاری در آن حدود ۶۰۰ میلیون دلار برآورد شده‌است.

کابل مهم بعدی FALCON متعلق به شرکت هندی Tata Communications است که هند و سریلانکا را به کشورهای خلیج فارس، سودان و مصر پیوند می‌دهد. این کابل یکی از دو مسیری است که بخشی از آن از آب‌های سرزمینی ایران عبور می‌کند.

همچنین کابل GBI (Gulf Bridge International) نیز از تنگه هرمز می‌گذرد که سامانه‌ای خصوصی است و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را به یکدیگر و شبکه‌های جهانی متصل می‌کند و ایران نیز به آن دسترسی دارد. این کابل نیز قسمت‌هایی از مسیر خود را در آب‌های ایران طی می‌کند.

از سوی دیگر Gulf-Tata TGN و برخی شاخه‌های منطقه‌ای کابل‌های بزرگ‌تر مانند SEA-ME-WE نیز از دیگر مسیرهای فعال در این گذرگاه هستند.

نکته حیاتی که هم در تحلیل‌های TeleGeography- هم در آخرین گزارش‌های صنعت مخابرات بر آن تأکید شده، این است که بیشتر کابل‌ها به دلیل تنش‌های دیرینه با ایران، عامدانه از آب‌های عمانی عبور داده شده‌اند. این استراتژی مهندسی برای دور زدن ریسک سیاسی ایران، عملاً موجب شده‌است که تنها دو کابل FALCON و GBI تا حدی در محدوده صلاحیت تهران قرار گیرند. در مجموع، این کابل‌ها کمتر از یک درصد پهنای باند جهانی را منتقل می‌کنند، اما برای اقتصاد دیجیتال کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس (امارات، قطر، بحرین، عربستان و کویت) حکم ستون فقرات را دارند و قطع آنها می‌تواند اینترنت، بانکداری و تراکنش‌های مالی منطقه را فلج کند. از سوی ایران ثابت کرده مدیریت تمام تنگه هرمز را در اختیار دارد و رد نشدن کابل‌ها فقط از آب‌های سرزمینی ایران مانع اعمال حکمرانی ایران بر آنها نخواهدبود.

مادر خرج کابل‌ها

بر خلاف تصور عمومی، هیچ دولت واحدی مالک یا مدیر این کابل‌ها نیست. ساختار مدیریتی این زیرساخت‌ها مبتنی بر کنسرسیوم‌های بین‌المللی است. در مدل رایج، چندین اپراتور بزرگ مخابراتی (مانند Orange، Vodafone، Telecom Egypt، stc، Bharti Airtel عربستان و Ooredoo قطر) و گاه غول‌های فناوری (Google، Meta، Microsoft و Amazon) گرد هم می‌آیند، سرمایه اولیه را تأمین کرده و سپس مالک مشاع ظرفیت کابل می‌شوند.

هزینه ساخت هر سامانه بسته به طول و ظرفیت، از ۲۵۰ میلیون دلار برای یک کابل ۷ هزار کیلومتری فراآتلانتیک تا بیش از یک میلیارد دلار برای مسیرهای ترانس‌پاسیفیک متغیر است. اعضای کنسرسیوم این هزینه‌ها را از محل سرمایه‌گذاری مشترک تأمین و در ادامه با فروش ظرفیت یا اعطای حق استفاده بلندمدت به مشتریان، سود خود را بازمی‌گردانند.

بخش نگهداری و تعمیرات نیز عمدتاً توسط پیمانکاران تخصصی انجام می‌شود. در منطقه خلیج فارس، شرکت e-Marine مستقر در امارات متحده عربی، با ناوگان اختصاصی کشتی‌های تعمیر کابل، مرجع اصلی نگهداری است. هزینه این خدمات از صندوق مشترک کنسرسیوم‌ها پرداخت می‌شود که ایران اخیراً به دنبال تغییر این معادله و واگذاری انحصاری تعمیرات به شرکت‌های داخلی است.

طرح ۳ مرحله‌ای ایران برای ثروت‌آفرینی از اعماق دریا

پس از موفقیت در مدیریت میدانی تنگه هرمز و تجربه وضع عوارض بر کشتی‌های تجاری، تهران نقشه راه جدیدی را با محوریت کابل‌های اینترنت ترسیم کرده است. این طرح از سه گام عملی تشکیل شده‌است که مرحله اول آن دریافت هزینه مجوز سالانه است. یعنی تمامی کنسرسیوم‌ها و شرکت‌های خارجی که کابل‌هایشان از تنگه هرمز عبور می‌کند، باید مجوز فعالیت دریافت و سالانه آن را تمدید کنند. این عوارض مشابه مدل مصر در کانال سوئز طراحی شده‌است. مرحله بعدی الزام غول‌های فناوری به تبعیت از قوانین ایران است. شرکت‌های بزرگ فناوری مانند متا، گوگل، آمازون و مایکروسافت که حجم عظیمی از ترافیک داده‌ها را از این مسیر عبور می‌دهند، ملزم می‌شوند تحت چارچوب‌های قانونی و نظارتی جمهوری اسلامی فعالیت کنند. این بند به معنای پذیرش حاکمیت دیجیتال ایران بر این بخش از اینترنت جهانی است. و مرحله نهایی ایجاد انحصار تعمیر و نگهداری است. راهبردی‌ترین بخش طرح این است که عملیات تعمیر، نگهداری و حتی مدیریت عملیاتی کابل‌ها به صورت انحصاری به شرکت‌های ایرانی واگذار شود. این اقدام، ضمن ایجاد اشتغال و انتقال فناوری، یک اهرم قطعی برای کنترل زیرساخت‌ها به دست تهران خواهد داد.

درآمدزایی نجومی

ارقامی که برای درآمد احتمالی از طرح فوق مطرح شده، چشم گیر است. برخی از کارشناسان عوامل حاصل از تنظیم ترانزیت کابل‌های زیردریایی در تنگه هرمز را تا سقف ۱۵ میلیارد دلار در سال برآورد کرده‌اند. رسانه‌های بین‌المللی نیز مجموع درآمد بالقوه سه مرحله طرح را ۱۳ میلیارد یورو گزارش کرده‌اند. برای درک مقیاس، این ارقام از درآمد سالانه کانال سوئز در ۲۰۲۶ که ۷/۲ میلیارد دلار بوده، فراتر می‌رود و نزدیک به سه برابر درآمد کانال پاناما (۵/۲ میلیارد دلار) است. چنین مبالغی در صورت تحقق می‌تواند اثر تحریم‌های اقتصادی را به شدت کاهش دهد و منابع ارزی پایداری برای کشور فراهم کند.

استدلال اقتصادی پشت این ارقام، ساده و هم‌زمان قدرتمند است؛ هزینه ساخت و جایگزینی این کابل‌ها چنان بالاست که پرداخت عوارض سالانه در مقایسه با آن، برای مالکان بسیار مقرون‌به‌صرفه‌تر خواهد بود. همچنین، تجربه نشان داده که حتی چند روز اختلال در این شاهراه‌ها می‌تواند صدها میلیون دلار خسارت به اقتصاد کشورهای عربی و بازارهای مالی وارد کند.

گام‌های قانونی و اجرایی در داخل

این طرح از مرحله ایده فراتر رفته و مسیر قانون‌گذاری و عملیات میدانی را با سرعت طی می‌کند. تشکیل سازمان مدیریت تنگه هرمز یکی از این موارد است. مهم‌ترین اقدام ساختاری، تأسیس این سازمان است که به‌طور رسمی محدوده مدیریت و نظارت خود بر تنگه را تعریف خواهد کرد و اعلام شده که هرگونه تردد و فعالیت زیرساختی، از جمله کابل‌های زیردریایی، باید با مجوز و هماهنگی آن صورت گیرد. این سازمان بستر حقوقی لازم برای صدور مجوز و دریافت عوارض را فراهم می‌کند.

مرحله بعدی طرح کمیسیون صنایع مجلس است. مجلس شورای اسلامی به‌طور جدی موضوع تنظیم ترانزیت کابل‌ها را در دستور کار قرار داده است. نمایندگان بر اهمیت این درآمد برای خنثی‌سازی تحریم‌ها تأکید کرده و خواستار تسریع در تصویب قوانین مرتبط شده‌اند.

مسئله بعدی استناد به کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها است. تهران در دفاع حقوقی از طرح خود، به ماده ۳۴ کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاها (UNCLOS) استناد کرده‌است. بر اساس این ماده، «حق عبور ترانزیت از تنگه‌ها، حقوق حاکمیتی کشور ساحلی بر بستر و زیربستر دریا را از بین نمی‌برد.» این استدلال، تکیه‌گاه اصلی مشروعیت طرح است. مقامات رسمی ایران تأکید کرده‌اند که کلیه کابل‌های فیبر نوری عبوری از تنگه هرمز باید تحت مقررات ایران قرار گیرند. در پی این هشدار، اپراتورهای بزرگ بین‌المللی اعلام فورس ماژور کرده و عملاً عملیات تعمیر و نگهداری کابل‌ها در منطقه خلیج فارس متوقف شده‌است. این توقف نشان داد که تهران حتی پیش از نهایی‌شدن قوانین، با قدرت اجرایی خود می‌تواند جریان فعالیت‌ها را تحت‌تأثیر قرار دهد.

چالش‌های مسیر اجرا

با وجود جدیت ایران برای اعمال مدیریت در خصوص این کابل ها، کارشناسان موانع قابل‌توجهی را نیز در مسیر تحقق کامل این درآمدزایی می‌بینند که یکی از آنها موقعیت فیزیکی کابل‌ها است. مهم‌ترین مانع این است که اکثر مسیر کابل‌ها در آب‌های عمان پهن شده است. از میان چهار تا هفت سامانه اصلی، تنها بخش‌هایی از FALCON و GBI از آب‌های سرزمینی ایران می‌گذرند. این بدان معناست که دسترسی ایران به آنها احتمالاً به آسانی نیست هرچند همانطور که گفته شد ایران نشان داده برای دسترسی به آنها نیز با مانع واقعی روبه‌رو نیست.

مسئله بعدی تحریم‌های بین‌المللی است. شرکت‌های بزرگ فناوری و مخابراتی که مالک یا سرمایه‌گذار این کابل‌ها هستند، تحت تحریم‌های شدید امریکا حق هیچ‌گونه تراکنش مالی با ایران را ندارند. پرداخت عوارض یا هزینه تعمیرات به نهادهای ایرانی می‌تواند آنها را با جریمه‌های سنگین و قطع دسترسی به بازارهای مالی جهانی مواجه کند البته موضوع در جریان عبور کشتی‌ها از تنگه هرمز هم وجود دارد که به نظر می‌رسد و با روش‌های مختلف حل شده‌است.

در نهایت، طرح کسب درآمد از کابل‌های تنگه هرمز بیش از آنکه یک برنامه اقتصادی صرف باشد، یک ابتکار ژئواستراتژیک برای بازتعریف جایگاه ایران در اقتصاد دیجیتال جهانی و کسب اهرم‌های فشار جدید است. موفقیت نهایی آن به توانایی تهران در حل تناقض میان ادعاهای حاکمیتی و واقعیت‌های فنی مسیر کابل‌ها، مدیریت تحریم‌ها و طراحی مدل‌های مالی خلاقانه بستگی خواهد داشت. آنچه قطعی است، تنگه هرمز از این پس نه‌تنها در سطح آب، که در عمق بستر دریا نیز به میدانی برای نمایش اراده و قدرت ایران بدل شده و در عصر ارتباطات این کابل‌های اینترنت هستند که چاه‌های نفت جدید ایران خواهند بود.

خبر

رئیس کمیته جمعیت و خانواده مجلس مطرح کرد

الگوی تولد فرزند سوم ۶۵ درصد رشد کرد

رئیس کمیته جمعیت و خانواده مجلس شورای اسلامی با اشاره به تأکیدهای رهبر شهید انقلاب در خصوص جوانی جمعیت کشور گفت: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در ۱۵ سال اخیر به موضوع جوانی جمعیت تأکید زیادی داشتند که اگر در این خصوص هوشیاری به خرج ندهیم به سیاه چاله جمعیتی خواهیم افتاد.

امیرحسین بانکی‌پور با اشاره به ۳۰ اردیبهشت سالروز ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت از سوی رهبر شهید انقلاب، افزود: رهبر فرزانه انقلاب در ۱۵ سال اخیر بیش از ۷۰ مرتبه نسبت به این موضوع ابراز نگرانی کردند.

بانکی‌پور با اشاره به اینکه پیش از اجرای قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت تنها ۱۷/۵ درصد از خانواده تصمیم به فرزند سوم داشتند، گفت: با اجرای این قانون، الگوی تولد فرزند سوم ۶۵ درصد رشد کرده‌است.

نماینده مردم اصفهان با بیان اینکه زمان زیادی برای نجات از این بحران باقی نمانده‌است، افزود: طبق فرموده امام شهید، زمانی فرامی‌رسد که دیگر فرصت جبران نخواهد بود. ما تنها سه تا چهار سال فرصت داریم مسیر جمعیتی کشور را متحول کنیم که در غیر این صورت با ورود به سیاه‌چاله جمعیتی در راهی غیرقابل بازگشت خواهیم افتاد. رئیس کمیته جمعیت و خانواده مجلس شورای اسلامی با نقد عملکرد برخی دولتمردان گفت: مشکل اساسی عدم ادراک فوریت این مسئله توسط برخی نخبگان و مسئولان است.

کاهش ۵۲ درصدی آمار سقط جنین

بانکی پور فرد اظهار کرد: با وجود اینکه در سال‌های اخیر تنها ۵۰ درصد قانون جوانی جمعیت اجرا شده و کمترین بودجه به آن اختصاص یافته، اما شاهد کاهش ۵۲ درصدی آمار سقط جنین بودیم که قبل و بعد اجرای این قانون را مشخص می‌کند. وی اضافه کرد: سال گذشته میزان کاهش موالید به نصف کاهش یافت (از ۱۷۰ هزار به ۸۰ هزار کاهش تولد رسید) که نشان‌دهنده تغییر رفتار تدریجی جامعه است. این کاهش جمعیت به دهه ۷۰ بازمی‌گردد که با توجه به کاهش مادران در آن دهه، سرمایه مادری هم کم شده‌است. بانکی‌پور فرد با اشاره به نگاه تمدنی سومین رهبر انقلاب به مقوله جمعیت تأکید کرد: رهبری بر بعثت ملت در حوزه فرزندآوری تأکید دارند، همان‌طور که در ابتدای انقلاب آمار موالید جهش یافت، امروز نیز نیازمند یک حرکت عمومی هستیم.

به گفته رئیس کمیته جمعیت و خانواده مجلس شورای اسلامی، در سال ۱۳۵۷ میزان زاد و ولد یک میلیون و ۳۰۰ هزار بود که در سال ۱۳۵۹ آمار تولد به ۲ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر رسید و این آمار تا سال ۱۳۶۵ سالانه بیش از ۲ میلیون تولد جدید را ثبت کرد.

ضرورت شکل‌گیری نهضت ازدواج

بانکی‌پور با تأکید بر ضرورت شکل‌گیری نهضت ازدواج گفت: کسانی که مجرد هستند باید هر چه زودتر ازدواج کنند، متأهلان نیز باید برای اقتدار ایران بزرگ برای فرزندآوری اقدام کنند، همچنین افرادی که از سن فرزندآوری آنان گذشته‌است، حمایت لازم را برای ازدواج جوانان و فرزندآوری زوج‌ها داشته باشند. وی از راه‌اندازی سامانه‌ای برای حمایت از خانواده‌ها خبر داد و گفت: مردم می‌توانند با ارسال پیامک به شماره ۳۰۰۰۱۴۱۳ در پویش جان ایران مشارکت کنند. در این سامانه خدماتی نظیر مشاوره‌های رایگان ازدواج، ویزیت رایگان متخصصان برای خانواده‌های متأهل و حمایت‌های مجازی در اختیار جوانان و والدین قرار می‌گیرد.

افزایش سن ماندن فرزندان بزرگسال در خانه والدین

عضو هیئت علمی مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور می‌گوید: از سال ۱۳۶۳ تا سال ۱۳۹۵، تعداد فرزندان ۲۴- ۲۰ سال که با خانواده زندگی می‌کنند، از ۵۰ به ۷۸ درصد و تعداد فرزندان ۲۹- ۲۵ سال از ۲۰ به ۵۴ درصد افزایش داشته‌است.

فاطمه مدیری، عضو هیئت علمی مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور، به تغییرات ساختار خانواده ایرانی در چند دهه اخیر می‌پردازد و یادآور می‌شود: در ایران قدیم، تیپ غالب خانواده «خانواده گسترده» بوده و نقش آن نیز عمدتاً فرزندآوری بوده‌است، اما در دهه‌های اخیر، تغییرات ساختاری متعددی به وقوع پیوسته است. به طوریکه نرخ خانواده گسترده در ایران از حدود ۲۰ درصد در سال ۱۳۶۵ به کمتر از ۶ درصد در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است.

این جامعه‌شناس در همین زمینه به ارائه آمار بیشتری از وضعیت انواع خانواده در کشور می‌پردازد و می‌گوید: در سال ۱۳۹۵ شکل غالب خانواده از نوع خانواده هسته‌ای (زوجین بی‌فرزند و با فرزند) بوده‌است، اما به مرور خانوار تک‌نفره روند افزایشی داشته و در سال ۱۳۹۵ حدود ۸ درصد خانوارهای ایران به صورت تک‌نفره بوده‌اند. تعداد خانواده‌های زن‌سرپرست از ۶/۵ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۱۲/۷ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده‌است.

مدیری در عین حال از روند افزایشی ازدواج‌ها طی دو دهه سخن می‌گوید و ادامه می‌دهد: تعداد ازدواج‌ها در سه دهه از ۳۴۰ هزار و ۳۴۲ مورد به ۵۵۰ هزار و ۵۶۵ رسیده‌است. میزان خام ازدواج در ایران از سال ۱۳۶۵، به مدت دو دهه روند افزایشی داشته، به طوری که از ۶/۹ در سال ۱۳۶۵ به ۱۲/۲۲ در سال ۱۳۸۷ رسیده‌است. سپس روند کاهشی داشته‌است. نرخ ازدواج در سال ۱۳۹۸ به ۶/۲۶ تقلیل پیدا کرده‌است. زنان در مقایسه با مردان در سنین پایین‌تری ازدواج کرده، ولی در نهایت تعداد مردان ازدواج کرده تا ۵۰ سالگی بیشتر از همتایان زن است.

وی در همین راستا از روند افزایشی میانگین سن ازدواج در دهه‌های گذشته در ایران خبر می‌دهد و بیان می‌کند: سن ازدواج برای مردان از ۲۳/۸ سال در سال ۱۳۶۵ به ۲۷/۴ سال در سرشماری سال ۱۳۹۵ رسیده‌است. برای زنان نیز سن ازدواج به ترتیب در سال ۱۳۶۵ معادل ۱۹/۹ سال و در سال ۱۳۹۵، ۲۳ سال بوده‌است. این عضو هیئت علمی مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور با استناد به آمارهای موجود اعلام می‌کند که بهترین سن ازدواج از دید پاسخگویان ایرانی برای دختران ۲۴- ۲۰ و برای پسران ۲۸- ۲۵ سال بیان شده‌است. بالاتر بودن سن ازدواج نشان می‌دهد که شرایط ازدواج برای جوانان مهیا نبوده‌است.

مدیری در ادامه در خصوص وضعیت تجرد قطعی در مردان و زنان نیز یادآور می‌شود: تجرد قطعی در سال ۱۳۶۵ برای مردان بیش از زنان بوده‌است، به طوری که تجرد قطعی در مردان معادل ۱/۶۱ و در زنان معادل ۱/۴۴ بوده‌است. با گذر زمان این میزان بر عکس‌شده و در سال ۱۳۹۵ برای زنان ۳/۷۳ و برای مردان ۲/۲۶ درصد بوده‌است. وی در بخش دیگری از گفت‌وگو با ایسنا نیز به نرخ طلاق طی سال‌های گذشته می‌پردازد و می‌گوید: تعداد طلاق‌ها از ۳۵ هزار و ۲۱۱ مورد در سال ۱۳۶۵ به ۱۷۵ هزار و ۶۱۴ مورد در سال ۱۳۹۷ رسیده‌است. میزان خام طلاق که در سال ۱۳۶۵، ۰/۷۱۵ بوده، در سال ۱۳۹۸ به ۲/۰۶ رسیده‌است. نسبت طلاق به ازدواج در سال ۱۳۶۴ برابر با ۹/۵ بوده و در سال ۱۳۹۸ به ۳۳ رسیده‌است. به تعبیر دیگر در سال ۱۳۹۸، به ازای هر ۱۰۰ ازدواج که ثبت شده، ۳۳ طلاق ثبت شده‌است. البته گاهی این آمار به نادرستی این‌طور بیان می‌شود که یک‌سوم از ازدواج‌های سال ۱۳۹۸ به طلاق ختم شده‌است. در عین حال نیز، نگرش افراد نسبت به طلاق در طول زمان و در سطح معناداری نشان‌دهنده رادیکال‌تر شدن دیدگاه‌ها بوده‌است. در سال ۱۳۷۹، ۵۵ درصد افراد طلاق را در هیچ شرایطی پذیرفتنی نمی‌دانستند که در سال ۱۳۹۹ این رقم به ۴۱/۴ درصد کاهش پیدا کرده‌است.

گزارش ۲

مهسا گربندی

اولین تجربه مدرسه رفتن یک میلیون و ۱۸۷ هزار دانش‌آموز

کودکان در صف کلاس اول، والدین در سردرگمی

ثبت‌نام کلاس اول آغاز شد. یک میلیون و ۱۸۷ هزار کودک در صف مدارس هستند، اما از آنجایی که این اولین تجربه مدرسه رفتن کودکان است، مسیر ثبت‌نام به یک معضل جدی و واقعی برای والدین تبدیل شده. مدارس دولتی، هیئت امنایی، غیردولتی، شهریه‌ها و دریافت مبالغی به عنوان «کمک به مدرسه». در کنار چالش‌های دیگر که والدین این روزها تجربه‌اش می‌کنند. ماجرا فقط تهیه یک کیف و لوازم‌التحریر و بدرقه کودک به کلاس درس نیست. ماجرا دلشوره پدران و مادرانی است که نمی‌دانند فرزندشان قرار است در کلاس‌های پرجمعیت، با چه معلمی، چه شیوه آموزشی و چه شرایطی روبه‌رو شود، اما تنها دغدغه والدین همین نیست. کافی است نگاهی به تقویم مدرسه بیندازید، وقتی هوا آلوده شود، برف و باران بیاید، یا کشور درگیر ناترازی انرژی شود و به طور کلی تا تقی به توقی بخورد، این مدارس هستند که تعطیل می‌شوند. روزهاست که مدارس به دلیل تهدیدات دشمن نیز مجازی شده‌است. حال با تعطیلی‌های ناگهانی مدارس، والدین این سؤال را می‌پرسند که مگر چند روز فرزندشان در مدرسه حاضر است که بابتش شهریه بپردازند؟!

رضا دهشیری | جوان

آغاز ثبت‌نام کلاس اولی‌ها

روز گذشته، رضوان حکیم‌زاده، معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش، اعلام کرد که فرآیند ثبت‌نام دانش‌آموزان کلاس اول از امروز آغاز شده و تا چهارشنبه، ۱۰ تیرماه، ادامه خواهد داشت. به گفته او: «در سال تحصیلی ۱۴۰۶-۱۴۰۵، یک میلیون و ۱۸۷ هزار کودک دختر و پسر وارد پایه اول ابتدایی می‌شوند و تنها شرط لازم برای ثبت‌نام، داشتن شش سال تمام است.»

حکیم‌زاده همچنین آمار جمعیت دانش‌آموزان مقطع ابتدایی کشور را اعلام کرد: «هم‌اکنون حدود ۸ میلیون و ۸۰۰ هزار دانش‌آموز در پایه‌های اول تا ششم مشغول به تحصیل هستند که از این میان، ۲۵۰ هزار نفر را دانش‌آموزان اتباع خارجی تشکیل می‌دهند.»

او تأکید کرد خانواده‌هایی که به دلیل جابه‌جایی محل سکونت قصد تغییر مدرسه فرزندشان را دارند، می‌توانند در همین بازه زمانی نسبت به ثبت‌نام فرزندان خود در مدارس موردنظر اقدام کنند.

بر اساس آمار رسمی، سال گذشته یک میلیون و ۲۵۷ هزار کودک به سن شش سالگی رسیده‌بودند و راهی کلاس اول شدند، رقمی که نسبت به سال قبل خود کاهش داشت و دلیل آن، به گفته معاون آموزش ابتدایی، نتیجه روند کاهشی جمعیت بوده‌است. امسال نیز تعداد کلاس‌اولی‌ها حدود ۷۰ هزار نفر کمتر از سال قبل است و این کاهش نسبی می‌تواند به کاهش تراکم کلاس‌های درس در مدارس منجر شود.

دردسر والدین

پایه اول تحصیلی، اولین تجربه مدرسه رفتن کودکان است، تجربه‌ای که می‌تواند مسیر ۱۱ سال تحصیل او را به درستی یا به بدترین شکل ممکن تغییر دهد. پس مهم است که این اولین تجربه چگونه رقم می‌خورد. به همین دلیل است که والدین میان گزینه‌های متعدد، اطلاعات ناکافی و همچنین سؤالات بی‌پاسخ، دست و پا می‌زنند.

انتخاب مدرسه دیگر، فقط به نزدیکی خانه یا راحتی مسیر خلاصه نمی‌شود، بلکه تنوع مدارس دولتی و غیردولتی، هر کدام با ظرفیت‌ها، قوانین و سبک‌های آموزشی متفاوت، والدین را در هزارتوی تصمیم‌گیری گرفتار کرده‌است. یک مدرسه به نمره و نتایج آزمون اهمیت می‌دهد، مدرسه دیگر روی تربیت و خلاقیت تمرکز دارد. برخی امکانات گسترده‌ای دارند و برخی حتی حداقل‌ها را هم ندارند!

مریم، مادر یک دختر شش ساله در تهران، با نگرانی می‌گوید: «نمی‌دانم دخترم کدام مدرسه برود. دولتی یا غیردولتی؟ حتی در میان مدارس دولتی هم نمی‌دانم عادی باشد یا هیئت امنایی. بدتر اینکه وقتی فرزندم را ثبت‌نام کنم، نمی‌دانم معلمش کیست. هیچ راهنمایی مشخصی وجود ندارد و همه چیز باید بر اساس حدس و گمان پیش برود.»

رضا، پدر یک پسر شش ساله در کرج، مردد میان مدارس دولتی شلوغ و غیردولتی کم‌جمعیت است: «جمعیت کلاس نزدیک خانه به بیش از ۴۰ نفر رسیده. فکر کردم فرزندم را به مدرسه غیردولتی بفرستم، اما وقتی بیشتر کلاس‌ها آنلاین برگزار می‌شود، پرداخت شهریه نزدیک به صد میلیون تومان منطقی به نظر نمی‌آید. نمی‌دانم این هزینه، ارزشش را دارد یا نه.»

یلدا، مادر دو فرزند در پردیس، تجربه متفاوتی دارد: «سال اول پسرم کلاس اول بود، هر روز گریه می‌کرد و از معلمش خوشش نمی‌آمد، اما حالا در پایه دوم با ذوق و شوق به مدرسه می‌رود. تجربه من نشان می‌دهد مهم‌ترین چیز، معلم با تجربه و کاربلد است. کیفیت مدرسه تا حد زیادی به توانایی معلم در مدیریت کلاس بستگی دارد.»

سارا، مادر یک دختر کلاس اولی در مشهد، با نگرانی می‌گوید: «فکر می‌کنم چالش اصلی، پیدا کردن مدرسه‌ای است که هم جمعیت مناسب داشته باشد، هم آموزش با کیفیت و هم معلمی کاربلد بالای سر کودک باشد. اولین تجربه مدرسه رفتن، تعیین‌کننده علاقه کودک به سال‌های تحصیل بعدی است.»

متأسفانه والدین با تعدادی مدرسه و اطلاعات ناکافی روبه‌رو هستند، از تفاوت میان مدارس دولتی و غیردولتی گرفته تا عدم شفافیت درباره ظرفیت کلاس‌ها، سبک آموزشی و کیفیت معلمان.

قوانین ثبت‌نام

کودکان متولد دوم مهر ۱۳۹۸ تا اول مهر ۱۳۹۹ مشمول ثبت‌نام در پایه اول ابتدایی برای سال تحصیلی پیش رو هستند. والدین علاوه بر دغدغه انتخاب مدرسه مناسب، باید با قوانین و محدودیت‌هایی هم آشنا باشند که وزارت آموزش و پرورش بر آنها تأکید کرده‌است. در اطلاعیه رسمی وزارت، سه «ممنوعیت» صریح برای تمامی مدارس اعلام شده‌است.

اولین و شاید پرچالش‌ترین ممنوعیت، دریافت هرگونه وجه هنگام ثبت‌نام است. مدارس دولتی، حتی مدارس هیئت امنایی، اجازه ندارند ثبت‌نام را منوط به پرداخت پول کنند. با این حال، کمتر والدینی هستند که هنگام ثبت‌نام جملاتی مانند «کمک به مدرسه الزامی است» یا «پرداخت مبلغی برای خرید کاغذ و مایع دستشویی» را نشنیده باشند. عمده مدارس هیئت امنایی نیز از همان بدو ورود، از خانواده‌ها پول طلب می‌کنند، و خانواده‌هایی که این مدارس را انتخاب می‌کنند، می‌دانند پرداخت شهریه یک اصل نانوشته است و باید اجرا شود.

دومین ممنوعیت اما، برگزاری هرگونه آزمون ورودی برای کلاس اول است. مدارس دولتی و غیردولتی موظف به رعایت این قانون هستند، اما برخی مدارس هستند که دانش‌آموزان را قبل از ثبت‌نام، به شکل غیررسمی می‌سنجند. البته نه در قالب آزمون، بلکه با سؤال جواب کردن کودک و ارزیابی آمادگی او.

سومین ممنوعیت، اجباری نبودن ارائه گواهی پیش‌دبستانی است. والدین هیچ الزامی به ارائه این مدرک برای ثبت‌نام کودک خود ندارند، موضوعی که چندی پیش علیرضا کاظمی، وزیر آموزش و پرورش نیز بدان اشاره کرده‌بود.

گفتنی است که این محدودیت‌ها عمدتاً شامل دانش‌آموزانی می‌شود که قصد ورود به مدرسه را دارند. دانش‌آموزان پایه‌های دوم تا ششم به صورت خودکار توسط مدرسه در پایه بالاتر ثبت‌نام می‌شوند و معمولاً نیازی به مراجعه حضوری ندارند. البته آن دسته از خانواده‌هایی که محل سکونت خود را تغییر داده‌اند، موظف هستند بر اساس آدرس جدید، فرزندشان را برای ثبت‌نام به مدرسه مربوطه معرفی کنند.

پایه اول تحصیلی، اولین تجربه مدرسه رفتن کودکان است، تجربه‌ای که می‌تواند مسیر ۱۱ سال تحصیل او را به درستی یا به بدترین شکل ممکن تغییر دهد. پس مهم است که این اولین تجربه چگونه رقم می‌خورد.